



فضایل دهگانه حضرت زهرا(س) از نگاه اهل تسنن

در برابر فضائل عظیم اهل بیت(ع) و مقامات فوق العاده آنها در درگاه خداوند، همیشه این دغدغه خاطر برای بعضی از افراد که در متن مسائل نیستند وجود دارد که نکند ...

در برابر فضائل عظیم اهل بیت(ع) و مقامات فوق العاده آنها در درگاه خداوند، همیشه این دغدغه خاطر برای بعضی از افراد که در متن مسائل نیستند وجود دارد که نکند این همه فضائل نتیجه خوشبینی فوق العاده دوستان، و برداشتهای علاقمندان و عاشقان این مکتب باشد.

آنها چون به اهل بیت(ع) عشق میورزند، و همه چیز را از همین دریچه می بینند، هر کسی هر فضیلتی را بگوید یا احتمال دهد به آن مؤمن میشوند، خواه سند معتبری داشته باشد یا نه، و از قدیم گفته اند:

اگر بر دیده مجنون نشینی

به غیر از خوبی لیلی نبینی!

اینجاست که برای رفع هر گونه سوء ظن از این دور افتادگان، و اطمینان خاطر بیشتر دوستان و نزدیکان، به منابع دیگران مراجعه می کنیم، و اهل بیت پیامبر(ص) را در آئینه افکار و کتابها و نوشته های معروف و مشهور و دست اول آنها مشاهده می کنیم.

در مجموع این نوشتار حتی یک روایت از منابع شیعه نقل نشده، و در میان اهل سنت نیز به سراغ کتابهایی رفته ایم که از معروفترین و مهمترین کتب حدیث و تاریخ و تفسیر آنها است.

1. برترین بانوی جهان

در روایات فراوانی که در منابع معروف اهل سنت آمده تصریح شده است که فاطمه زهرا(س) افضل زنان جهان بود، آن سخنی است که پیغمبر اکرم(ص) آن را به تعبیرات مختلف بیان فرموده است:

&171#ان افضل نساء اهل الجنة خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد، و مريم بنت عمران، و آسية بنت مزاحم؛(1)

برترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد، و مریم دختر عمران، و آسیه دختر مزاحم [همسر فرعون]». رسوا خدا: هنگامی که مشتاق آن میوه های بهشتی می شوم، فاطمه را می بوسم و از بوی او بوی تمام آن میوه ها را که در آن شب خوردم استشمام می کنم

2. بانوی بهشتی

نخستین سنگ بنای وجود انسان، انعقاد نطفه اوست، چرا که به هر حال نطفه است که قسمت مهمی از ارزش های وجودی انسان را در بر دارد، و به همین دلیل در روایات اسلامی دستورهای زیادی وارد شده که این سنگ زیر بنا درست نهاده شود.

هنگامی که به تاریخ زندگی بانوی اسلام فاطمه زهرا(علیها السلام) مراجعه می کنیم می بینیم او در این زمینه یک وضع استثنائی دارد که در تاریخ شخصیت های بزرگ جهان اعم از مرد و زن بی نظیر است، بهتر است این سخن را از زبان پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) بشنویم:

ابن عباس می گوید: پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) زیاد فاطمه را می بوسید، روزی عایشه عرض کرد: شما زیاد فاطمه را می بوسید؟

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: (این دلیلی دارد) در شب معراج هنگامی که جبرئیل مرا وارد بهشت کرد، از تمام میوه های بهشتی به من داد، و از عصاره آنها نطفه فاطمه در رحم خدیجه منعقد شد.

&171#؛فَادَا اسْتَنْقَتْ لِتِلْكَ الثِّمَارِ قَبْلَتْ فَاطِمَةُ فَاصْبَتْ مِنْ رَائِحَتِهَا جَمِيعَ تِلْكَ الثِّمَارِ الَّتِي اَكَلَتْهَا؛(2) هنگامی که مشتاق آن میوه‌های بهشتی می‌شوم، فاطمه را می‌بوسم و از بوی او بوی تمام آن میوه‌ها را که در آن شب خوردم استشمام می‌کنم.

3. فاطمه(علیها السلام) محبوب ترین افراد نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله)

در حدیثی از زبان عایشه می‌خوانیم که می‌گوید:

&171#؛مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ رَسُولِ اللَّهِ(صلی الله علیه وآله) وَ كَاتَتْ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهِ رَحَبَ بَها، وَ قَامَ إِلَيْهَا، فَاحْدَ بِيَدِهَا فَقَبَّلَهَا، وَ اجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ؛(3) من هیچ کس را در سخن گفتن از فاطمه شبیه تر به رسول خدا(صلی الله علیه وآله) ندیدم، هنگامی که وارد بر پدر می‌شد به او خوش آمد می‌گفت، و در برابر دخترش فاطمه بر می‌خاست، دست او را می‌گرفت و می‌بوسید، و او را در جای خود می‌نشاند.

4. مقام قرب فاطمه(علیها السلام) در پیشگاه خدا

در &171#؛صَحِيح تَرْمِذِي» از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله)نقل می‌کند که فرمود:

&171#؛إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَتَى يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا وَ يَتَصَبَّنِي مَا تَصَبَّاهَا؛(4) فاطمه پاره تن من است، آنچه او را آزار دهد مرا آزار می‌دهد و آنچه او را به زحمت افکند مرا به زحمت می‌افکند.

بدیهی است علاقه پدر و فرزندى هرگز نمی‌تواند چنین پدیده‌ای را توجیه کند، زیرا پیغمبر به عنوان &171#؛رَسُولُ اللَّهِ» چیزی را اراده نمی‌کند جز آنچه خدا اراده کند، و هماهنگی خشنودی و رضای فاطمه با خشنودی و رضای خدا و پیامبر دلیلی جز محو اراده او در اراده و خواست خدا ندارد.

این نکته نیز شایان دقت است که معمولا جمله &171#؛فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَتَى» را به معنای فاطمه پاره تن من است، تفسیر و ترجمه می‌کنند، در حالی که در این جمله سخنی از تن در میان نیست، بلکه مفهوم حدیث این است که فاطمه(علیها السلام)پاره‌ای از وجود و هستی پیامبر(صلی الله علیه وآله) است، هم از نظر جسمی و هم روحی، در خود روایات نیز شاهد بر این معنا داریم که به خواست خدا خواهد آمد.

5. زهد و ایثار فاطمه(علیها السلام)

ابن حجر و دیگران در روایتی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل کرده‌اند، او هنگامی که از سفر باز می‌گشت نخست به سراغ دخترش فاطمه زهرا(علیها السلام) می‌آمد، و مدتی نزد او می‌ماند، ولی یک بار برای فاطمه زهرا(علیها السلام) دو دستبند از نقره و همچنین یک گردنبند و دو گوشواره ساخته بودند، و پرده‌ای بر در اطاق آویزان کرده بود.

هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه وآله) وارد شد و این منظره را دید بیرون آمد در حالی که آثار غضب در چهره اش نمایان بود، به مسجد آمد و بر منبر نشست.

فاطمه(علیها السلام) دانست که ناخشنودی پیغمبر(صلی الله علیه وآله) به خاطر همان مختصر زینت است، همه را نزد پدر فرستاد تا در راه خدا صرف کند.

هنگامی که چشم پیامبر(صلی الله علیه وآله) به آن افتاد سه بار فرمود:

&171#؛فَعَلْتُ، فِدَاهَا ابْنُهَا».(5)

فاطمه آنچه را که می‌خواستم انجام داد، پدرش به فدایش باد.
هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟ گفت: این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد

در 171#&؛ مسند احمد» از امّ سلمه (یا طبق روایتی ام سلمی) چنین آمده : وقتی فاطمه(علیهاالسلام) به همان بیماری که به وفاتش منتهی گشت، بیمار شد من از او پرستاری می‌کردم، روزی حالتش را از همه روز بهتر دیدم، علی(علیه السلام) به دنبال کاری رفته بود، فاطمه(علیها السلام) به من فرمود: آبی بیاور تا غسل کنم، آب آوردم و او غسل کرد، غسلی که بهتر از آن ندیده بودم.

سپس فرمود: لباس‌های تازه ای برای من بیاور، لباس‌ها را آوردم و به او دادم، و او پوشید.

سپس فرمود: بستم را در وسط اطاق بیفکن، من این کار را کردم، او دراز کشید و رو به قبله کرد، و دستش را زیر صورتش گذاشت، سپس فرمود: ای ام سلمه! [ام سلمی] من الان از دنیا می‌روم (و به ملکوت اعلا می‌شتابم) در حالی که پاک شده ام، کسی روی مرا نگشاید. این سخن گفت و چشم از جهان پوشید! (6)

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که فاطمه از لحظه مرگش آگاه و با خبر بوده، و بی آن که نشانه‌های آن در او باشد، آماده رحلت از این جهان گشت، و از آن جا که هیچ کس لحظه مرگ را جز به تعلیم الهی نمی‌داند این نشان می‌دهد که از سوی خدا به او الهام می‌شد.

آری، روح او با عالم غیب مربوط بود، و فرشتگان آسمان با او سخن می‌گفتند.

به علاوه مطابق روایات گذشته حتی او از مریم دختر عمران و مادر حضرت عیسی برتر بود، و همین امر کافی است، زیرا قرآن با صراحت می‌گوید: مریم با فرشتگان خدا سخن می‌گفت، آیات متعددی در این زمینه در سوره مریم و آل عمران وجود دارد.

بنابراین فاطمه(علیها السلام) دخت گرامی پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) به طریق اولی باید بتواند با فرشتگان آسمان هم سخن شود. (7)

7. کرامات فاطمه زهرا(علیها السلام)

بسیاری از مفسران اهل سنت مانند زمخشری و سیوطی در ذیل آیه شریفه :

171#&؛ (كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ اَأْتِي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ)؛ (6) هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.

از جابرین عبدالله نقل کرده اند که : رسول خدا(صلی الله علیه وآله) چند روز بود غذایی نخورده بود، و کار بر او مشکل شد، به منزل همسرانش سر زد هیچ کدام غذایی نداشتند، سرانجام به سراغ دخترش فاطمه(علیها السلام) آمد و فرمود: دخترم! غذایی داری من تناول کنم زیرا گرسنه ام؟

عرض کرد: نه بخدا سوگند!

هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از نزد او خارج شد، زنی از همسایگان دو قرص نان و مقداری گوشت برای فاطمه(علیها السلام) هدیه آورد، و او آن را گرفت و در ظرفی گذاشت و روی آن را پوشاند و گفت: بخدا سوگند رسول الله(صلی الله علیه وآله) را بر خود و فرزندانم مقدم می‌دارم!

و این در حالی بود که همه گرسنه بودند.

حسن و حسین را به سراغ پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرستاد و از او دعوت کرد به خانه بیاید.

عرض کرد: فدایت شوم، چیزی خداوند برای ما فرستاده، و من آن را برای شما ذخیره کرده ام.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: بیاور. و او ظرف غذا را نزد حضرت آورد. هنگامی که پیغمبر سر ظرف را برداشت مملو از نان و گوشت بود، هنگامی که فاطمه آن را دید در تعجب فرو رفت، و فهمید این نعمت و برکتی است از سوی خدا، شکر آن را بجا آورد و بر

پیامبر(صلی الله علیه وآله) درود فرستاد.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: دخترم! این را از کجا آورده ای؟

عرض کرد:

&171#;(هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ); این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد!.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) شکر خدا را بجا آورد و این جمله را فرمود:

&171#;الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ شَبِيهَةً بِسَيِّدَةِ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ).

شکر می‌کنم خدایی را که تو را شبیه [مریم] بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد.

او را فاطمه نام نهاد، زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش دوزخ باز داشته است
8. نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود!

ذهبی در &171#;میزان الاعتدال» آورده است که پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

&171#;أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ (عليها السلام); (7) نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، فاطمه است!.

9. نام‌های پرمعنای فاطمه(علیها السلام)

از احادیث بر می‌آید که نامگذاری فاطمه زهرا(علیها السلام) بوسیله حکیم علی الاطلاق یعنی خدای عالم انجام گرفته است.

از سوی دیگر &171#;فاطمه» از ماده &171#;فطم» (بر وزن حتم) به معنای بازگرفتن کودک از شیر مادر است، سپس به هر گونه بریدن و جدایی اطلاق شده است.

در حدیثی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) آمده است که فرمود:

&171#;إِنَّمَا سَمَّيْتُهَا فَاطِمَةً لِأَنَّ اللَّهَ قَطَمَهَا وَحُبَّيْهَا عَنِ النَّارِ; (8) او را فاطمه نام نهاد، زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش دوزخ باز داشته است».

از این تعبیر استفاده می‌شود که نامگذاری بانوی اسلام به این نام، از سوی خداوند صورت گرفته، و مفهومش این است که خدا وعده داده است او و کسانی که او را دوست دارند و در خط مکتب او باشند هرگز به دوزخ نروند.

10. هدیه پیامبر(صلی الله علیه وآله) به فاطمه(علیها السلام)

غیر از هدایای فوق العاده معنوی که پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) به دخترش فاطمه زهرا(علیها السلام) داد که هر کدام از دیگری گرانبهاتر و پرازش تر بود که بعضی از آنها در تاریخ ضبط شده مانند تسبیح حضرت زهرا(علیها السلام) و بعضی را مینمی دانیم. یک هدیه به ظاهر مادی نیز به او داد و عجب این که این هدیه نیز به فرمان خدا صورت گرفت چنانکه در حدیث زیر آمده است:

سیوطی نقل می‌کند: هنگامی که آیه شریفه:

&171#;(وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ); (9) و حق نزدیکان را بپرداز!.

نازل شد، پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فاطمه(علیها السلام) را صدا زد و سرزمین &171#;فدک» را به او واگذار کرد.(10)

البته چنانکه در فصل &171#;ماجرای غم انگیز فدک» می‌آید، بخشیدن فدک به فاطمه(علیها السلام) یک مسأله ساده نبود، پشتوانه

ای بود برای مسأله ولایت علی(علیه السلام) و سندی برای تحکیم و تثبیت مقام ولای این خانواده، و از این نظر یک هدیه معنوی نیز محسوب می‌شد.

پی‌نوشت‌ها:

1. این حدیث در «مستدرک الصحيحین«، جلد 2، صفحه 497 نقل شده و سپس تصریح می‌کند که اسناد این حدیث صحیح است.

2. ذخائر العقبی، صفحه 36.

3. مستدرک الصحيحین، جلد 3، صفحه 154.

4. صحیح ترمذی، جلد 2، صفحه 319.

5. الصواعق المحرقة، صفحه 109.

6. مسند احمد بن حنبل، جلد 6، صفحه 461. این حدیث را ابن اثیر در «اسد الغابة« و جمعی دیگر در کتب خود آورده اند.

7. البته دلایل علمی و دانش گسترده و فوق العاده آن حضرت در روایات شیعه وضع دیگری دارد که در زندگی نامه آن بزرگوار قبلا بدان اشاره شد

8. آل عمران، آیه 37.

9. میزان الاعتدال، جلد 2، صفحه 131.

10. تاریخ بغداد، جلد 2، صفحه 331.

11. اسراء، آیه 26.

12. درّ المنتور، ذیل آیه؛ میزان الاعتدال، جلد 2، صفحه 288; کنز العمال، جلد 2، صفحه 158.

منبع: با تصرف و تلخیص فراوان از، زهرا(علیها السلام) برترین بانوی جهان، آیت الله العظمی مکارم شیرازی